

# پلهای تاریخی آذربایجان

## ۱- پلهای رودخانه ارس

رودخانه ارس ازدوشاخه  
مجزی که یکی از ارتفاعات  
موسوم به مین گول داغ یا کوه  
هزار بر که و شاخه دیگری از  
ارمنستان شوروی سرچشمه  
دارد در محل معروف بهزنگنه  
واقع در منتهی الیه شمال غربی  
ایران با همدیگر تلاقی نموده  
ومرز مشترک ایران و شوروی  
راتشکیل میدهد این رودخانه  
پس از عبور از کنار پلدشت و  
جلفا وارد معبر سنکستانی خود  
شده و از بین ارتفاعات قراباغ  
و قراداغ گذشته و پس از جذب  
رودخانه های متعدد از ساحل  
چپ و راست منجمله رود معروف  
دره رود در نزدیکی اصلاندوز  
در بخشی از مغان بجریان خود

مقدم

رحیم هویدا

( دکتر در جغرافیا )

ادامه داده و پائین تر از پارس آباد فعلی در مقابل ده خرابه‌ای بنام تازه کند قوسی زده و بطرف شمال متوجه شده و وارد خاک شوروی میشود .

در طول رودخانه ارس محله‌هایی وجود دارد که بستر رودخانه بسیار پهن و جریان آبش آرام و عبور از آنها در غیر مواقع سیلابی بوسیله اسب یا شتر اهکان پذیراست و این محله‌ها را در اصطلاح محلی اولوم Ouloume و بفارسی گذار مینامند . سابقاً اهالی هر محل این گونه گذارها را میشناختند و در مواقع ضروری از این جاها میگذشتند و یا از این محله‌ها بوسیله قایق‌های مخصوص محلی که بآنها پله (بروزن یله) میگفتند و بوسیله اشخاص ماهری هدایت میشدند عبور میکردند ( پس از برقرار رژیم فعلی شوروی همه اینها موقوف و ممنوع گردیده است ) و اتفاقاً این گذارها یا گذرها در محله‌هایی واقع شده که از شاهراه‌هایی که بطرفین رودخانه منتهی میشوند فاصله زیادی دارند و فقط بدرد مردمان محلی که بخواهند بکرانه‌های شمالی یا جنوبی رودخانه تردد نمایند میخورند و در برابر این گذارها ارتفاعات بلند و یا دره‌هایی قرار گرفته که برای لشکریان یا قوافل تجارتنی مورد استفاده نمی‌تواند قرار بگیرد بنابر مراتب مذکوره وجود پل در جاهای مناسب بر روی رودخانه در دهانه راههای تجارتنی و یا سوق الجیشی از زمانهای دور پیش‌بینی و ایجاد گردیده است . علیهذا بر روی ارس در سه محل مناسب که موقعیت نظامی و تجارتنی داشته از سابق پل بسته‌اند که ما در اینجا به ترتیب از شرق بغرب بشرح آنها میپردازیم :

### پل خدا آفرین

پل خدا آفرین یکی از قدیمترین پلهای آذربایجان و بلکه ایران است که قدمت آن تا دوران هخامنشی میرسد و در محال کیوان ارسباران تقریباً در ۸۰ کیلومتری شمال قصبه کلپیر و در کنار دهی بنام خدا آفرین در طول ۶۶ درجه و ۵۶ دقیقه و ۴۰ ثانیه و عرض ۴۹ درجه و ۸ دقیقه و ۲۳ ثانیه در

محاذات دروازه قراباغ از ساحل شمال ودشت مغان و راه مشکین و اهر از کرانه جنوبی بنا گردیده است .

بستر رودخانه از خداآفرین ببالا یعنی بطرف غرب سنکستانی و صعب-العبور و دو رشته کوههای قراباغ و قراداغ (کوههای ارسباران) همانند دیواره‌ای جسیم در مقابل هم سر بآسمان افراشته و مجرای شرقی رودخانه که از خاکهای استپی تشکیل یافته نرم و رودخانه آنرا در طی سالیان دراز شسته و در بستر نسبتاً عمیقی جاریست و محلی که برای بنای پل خداآفرین در نظر گرفته شده و بنا گردیده از هر حیث ممتاز و بی نظیر است . راجع به بنای اولیه پل در ماخذ اسلامی تنها منبعی که وجود دارد کتاب معروف و ارزنده جغرافیدان و دانشمند قرن هفتم هجری نزهت القلوب است که حمدالله-مستوفی قزوینی آنرا در سال ۷۴۰ هجری قمری برشته تالیف در آورده است . وی در کتاب مزبور چنین مینویسد : (زنگیان چند پارچه دیه است داخل مردانقم پل خداآفرین بر آب ارس در آن حدود است . بکربن عبدالله صاحب رسول الله صلی الله علیه وسلم ساخت در سنه خمس و عشر هجری)<sup>۱</sup>

راجع به بانی پل و تاریخ بنای آن قول مستوفی مطابق اسنادی که در دست است فاقد ارزش تاریخی است نسبت بتاریخ بنای پل نیز قدر مسلم این است که در موقع استنساخ نسخه‌های متعدد اشتباهاتی در رقم تاریخ بعمل آمده است زیرا ورود اعراب بایران در سال ۱۸ هجری بوده و تاریخ کامل نیز در صفحه ۲۲ از جلد اول تاریخ ورود مسلمین بایران را چنین بیان مینماید: « در همان سال عمر فرمان داد که مسلمین بکشور عجم (ایران) داخل شوند و از هر جا که پراکنده شده‌اند در آن کشور مرکز گزینند گفته شد این فرمان در سنه هیجده واقع شده که قبل از این بدان اشاره گردید.<sup>۲</sup>

۱ - نزهت القلوب صفحه ۱۰۱

۲ - تاریخ کامل ابن اثیر جلد اول ص - ۲۲

راجع به بانی پل نیز دانشمند و جغرافیدان معروف اسلامی مسلماً مقصودش تعمیر پل بوده است که از آن برای ورود بمغان استفاده نموده‌نه بنای اولیه آن و همانطور که تاریخ کامل نیز از قول عمر خلیفه اسلامی باین مضمون مینویسد: « وقتی عمر گزارش سراقه را شنید در قبال يك امر غیر مترقب واقعه‌شد که هرگز پایان آنرا تصور نمی‌کرد زیرا يك باب وسیع مشرف بر يك دره هولناك بروی او گشوده شده که هم استعداد نظم و هم سپاه بسیار لازم دارد » .

با این اوصاف و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال آنروزی اعراب از لحاظ فقدان امکانات علمی و نداشتن وسایل و آشنا نبودن به موقعیت محلی و بسر بردن در حال حمله و هجوم و وجود قشون محلی منظمی مانند لشکر مغان در برابر قشون اسلامی ساختن پلی مانند پل خدا آفرین لا اقل یکسال وقت و کار مداوم لازم داشته که اعراب فاقد این امکانات بوده‌اند . از طرف دیگر مطابق مدارکی که از منابع یونانی بدست آمده و سایر دانشمندان خارجی نیز بدان استناد کرده‌اند پل خدا آفرین را کوروش کبیر ساخته است که ذیلاً بدانها اشاره میکنیم :

۱ - در اسناد و نوشته های یونانی نام این پل را پل سیروس باعتبار نام کوروش نوشته‌اند .

۲ - پروفیسور آندریو رابرت بارن استاد تاریخ یونان در دانشگاه گلاسکو در انگلستان در کتابی که بنام ایران و یونان تألیف کرده آنرا پل سیروس باعتبار نام کوروش نامیده و بنا بعقیده وی بنای اولیه پل متعلق بکوروش کبیر است .

۳ - ژاک دومورگان جغرافیدان و زمین شناس معروف فرانسوی که در ایران مطالعات ارزنده‌ای انجام داده و کتابها و مطالعات جغرافیائی آن مورد استفاده و استناد جغرافی نویسان ایرانی قرار گرفته در کتابی که بنام تاریخ قوم ارمنی L' Histoire Du Peuple Armenien برشته تحریر آورده

مینویسد پلی که امروز باسم خدا آفرین خوانده میشود از طرف کوروش کبیر ساخته شده این پل را باسم کوروش کوری میخواندند .

۴ - رنه گروسه René Grosset دانشمند و مورخ فرانسوی در کتاب خود بنام آسیا L'Asie مینویسد : ( پلی که امروز خدا آفرین است در دوره هخامنشیان ساخته شد و ویران گردید و شاپور اول پسر اردشیر بانی سلسله ساسانی آنرا تجدید بنا نمود . در زمانهای باستانی نیز نام این پل بنام پل کیخسرو باعتبار نام کوروش نامیده میشده است .<sup>۳</sup>

۵ - در دوره خوارزمشاهیان پل خدا آفرین پل جلالالدین ملکشاه نامیده میشده است .

۶ - نام دیگر این پل ، پل خسرو بوده چنانکه در تاریخ مبارک غازانی صفحه ۸۸ مینویسد : « چنانکه معهود و معتادست طریقهها کردند و شادیهان نمودند و بعد از آن براه اهر و پیشکین بیرون رفته در موغان رفتند و در حدود ابوبکر آباد به موضع پول (پل) خسرو نزول فرمود . »

۷ - آخرین نام این پل خدا آفرین میباشد که حمدالله مستوفی بصراحت از آن در سال ۷۴۰ هجری قمری نام میبرد .<sup>۴</sup>

۸ - نام رودخانه « کر » که از تقلیس میگذرد و در جسر جواد به ارس می پیوندد مخفف کوروش بوده و از اسم این پادشاه و سردار بزرگ برخوردار است .

### ۳ - تاریخ مبارک غازانی صفحه ۸۸

۴ - در خدا آفرین دوپل قدیمی وجود دارد که یکی خرابه و بفاصله یکصد متر بالاتر از پل معمور فعلی قرار گرفته و پایه های پل اولی بر روی سنگهای درشتی که از کف رودخانه بالا آمده قرار گرفته بوده و پل دومی از آجر و سنگ ساخته شده و دارای ۱۵ چشمه است که در جنگهای ایران و روس بخصوص بر سر تصرف آن جنگهای خونینی در اطراف آن بعمل آمده است . طول پل ۱۷۰ متر است که در قرارداد مرزی جدید ۱۳۰ متر متعلق بایران و ۴۰ متر در طرف شوروی قرار گرفته است .

بادر نظر گرفتن مراتب مذکوره قدر مسلم اینست که بنای اولیه پل بدست کوروش کبیر انجام گرفته و همانطور که دانشمند فرانسوی هم بدان اشاره کرده باین مضمون که: «پلی که امروز خدا آفرین است در دوره هخامنشیان ساخته شد و ویران گردید و شاپور اول پسر ارد شیربانی سلسله ساسانی آنرا بنا بنمود» بعدها نیز در طی قرون متمادی این پل دهها بار خراب و سپس دوباره تجدید بنا شده که یکی از این تجدید بناها نیز بوسیله بکر بن عبدالله انجام گرفته و بکر از آن برای عبور لشگریان خود بمغان استفاده نموده است و راجع بدو فقره خرابی و دوباره آباد شدن این پل برای مثال در اینجا اشاره می کنیم:

«وقتی آقا محمدخان قاجارشنید که ابراهیم خلیلخان یاغی گردیده تصمیم گرفت که برود و او را مطیع کند. بعد از اینکه باردیبل رسید باو اطلاع دادند که ابراهیم خلیلخان ملقب به جوانشیر شهرشوشی را مستحکم کرده و تصمیم دارد که در آن شهر مقاومت نماید. خواجه قاجار برای اینکه فرصت ندهد که ابراهیم خلیلخان جوانشیر نیروی زیادی گردبیاورد و خود را قوی تر نماید بمزم جنگ براه افتاد و چون برای رسیدن بشهرشوشی واقع در شمال رودخانه ارس باید از آن رود بگذرد راه پل (خدا آفرین) را که بر روی رود ارس ساخته بودند پیش گرفت. وقتی که به آنجا رسید مشاهده کرد که پل را ویران کرده اند و از سکنه محلی تحقیق نمود که بدانند پل برای چه ویران گردیده دانست که ابراهیم خلیلخان جوانشیر دستور ویران کردن پل را صادر کرده تا قشون آقامحمدخان قاجار نتواند از رودخانه ارس بگذرد آقامحمدخان قاجار دستور داد که نزدیک پل خدا آفرین يك پل با زورق بسازند و در عین حال مبادرت به تجدید بنای پل کنند. پایه های پل را نتوانسته بودند ویران نمایند و فقط طاق های آن خراب شده بود و آقامحمدخان قاجار گفت که طاقتها را دوباره بابهترین مصالح، بنائی بسازند که ویران نشود.»<sup>۵</sup>

۵- مجله خواندنیها قسمت دلاوران گمنام ترجمه دانشمند محترم آقای ذبیح الله منصورى.

### پلهای جلفا

پلهای فعلی جلفا جدیدالاحداث هستند و تا احداث این پلهای جدید کسانیکه از این حدود رفت و آمد نموده‌اند یا با کشتی و یا با قایق از آن گذشته‌اند ولی بنابنویشته تاورنیه سیاح معروف فرانسوی که در بین سالهای ۱۶۳۲ تا ۱۶۶۸ شش بار به ایران سفر کرده پلی بر روی رودخانه ارس در حد جلفا بوده که بدستور شاه عباس کبیر برای اینکه مورد استفاده عثمانیها قرار نگیرد آنرا ویران کرده‌اند چنانکه وی در صفحه ۶۲ از سفرنامه خود در خصوص پل جلفا چنین مینویسد :

«جلفا وطن قدیم ارامنه که شاه عباس بایران کوچ داد شهر بست که در میان دو کوه واقع شده که ارس از میان آن میگذرد و در طرفین رودخانه زمین بکری که بکار زراعت بخورد باقی نمی ماند ساحل رودخانه متصل بدامنه کوه میشود و کشتی از آن نمیتواند عبور کند مگر در دلیو پائین تر زیرا که در دست بالاغیر از کرجی های کوچک و تخته پاره چیز دیگر را رودخانه نمیتواند بپذیرد و چون اراضی رفته رفته پست و بصورت جلگه مسطح میشود از تخته سنگها بیشتر باید ترسید جریان آب هم مایلتر میشود . پل قشنگی از سنگ روی این رودخانه بود که شاه عباس آنرا مثل تمام شهر بکلی خراب کرد که برای ترکها چیزی باقی نماند»<sup>۶</sup>

خود تاورنیه که در حدود سال ۱۶۳۲ از آنجا عبور کرده هنگام آمدن به تبریز در کتاب خود صفحه ۶۴ چنین مینویسد : « در حرکت از اسدآباد بایستی کاه و جو برای اسبهایمان برداریم بجهت اینکه بما گفتند تا روز دیگر در عرض راه کاه و جو یافت نمیشود یکساعت تمام طول کشید تا به ارس رسیدیم و با قایق از آن عبور کردیم»<sup>۷</sup>

یکی دیگر از سیاحان معروف شوالیه شاردن است که در سال ۱۶۶۴ بایران

۶- سفرنامه تاورنیه صفحه ۶۲ .

۷- سفرنامه تاورنیه صفحه ۶۴

آمده و تا سال ۱۶۷۰ اقامت داشته است هنگامیکه از نخب جوان از کرانه ارس سرازیر شده و به جلفا رسیده تا به تبریز بیاید در صفحه ۳۹۴ از جلد دوم سفرنامه خود شرح مسافرت خود را چنین بیان میکند :

«اینک بر گردیم باقامتگاه خود کنسار نهر ارس این رودخانه مشهور ارمنستان را از ماد جدا میسازد سرچشمه ارس در کوهی است که میگویند کشتی نوح در آنجا توقف کرد و شاید که اسم نهر از نام این کوه بزرگ آرات اشتقاق یافته است.»

این رودخانه از منطقه مزبور عبور کرده بدریای کاسپین (قزوین- خزر) میریزد ارس نهر بزرگ و سخت سریع‌السير میباشد و بتدریج طی مسیر خود با اضافه شدن انهار کوچک بسیار که بهیچوجه نام و نشانی ندارند و انضمام سیلابهای بیشمار بر حجم و عظمت خویش میافزاید بر روی این رودخانه در جلفا و نقاط دیگر چندین بار پل بسته‌اند و علی‌رغم استحکام و عظمت آنها چنانکه از طاق و چشمه‌هایشان کاملاً نمودار است این چشمه‌ها در مقابل فشار جریان نهر دوام نیاورده‌اند هنگامیکه یخها آب و برف کوههای اطراف ذوب میشوند ارس سخت‌تند و خشمگین میگردد بطوریکه هر گونه سد و ساختمان دیگر را از مسیر خود درمی‌آورد فی‌الواقع صدا و جریان و سرعت جولان آب آن مایه تعجب اطرافیان میگردد.

اما پلهائی که فعلاً بر روی جلفا وجود دارد بتازگی آنها را ساخته‌اند و شامل دو پل است که یکی برای عبور قطارهای باری و مسافری اختصاص داشته و پل دیگری را برای عبور مسافران و وسائط نقلیه تخصیص داده‌اند پلی که راه آهن از روی آن عبور میکند بسال ۱۹۱۳ میلادی بسوسپله شرکت راه آهن تبریز جلفا بسرمهندسی ترسکینسکی Treskiniski ساخته شده که طول آن در حدود ۱۱۰ متر و از نوع پل آویزان میباشد و در نتیجه انقباض و انبساط برودت و حرارت منقبض و منبسط میگردد عرض آن در



حدود ۵/۵ متر است که طوری آنرا ساخته‌اند که هر قدر سطح آب بالا بیاید باز هم ۲/۵ متر با سطح آب فاصله خواهد داشت.<sup>۸</sup>

### پل پلدشت یا پل عربلر

بخش پلدشت از شمال بروودخانه ارس و از جنوب به بخش حومه ماکو و سیه چشمه و از مغرب بکشور ترکیه و از مشرق بشهرستان مرند محدود بوده و از سه دهستان چای باسارارسکنار و قره‌قویون و گچلرات تشکیل یافته و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۹۴ متر است.

نام سابق پلدشت عربلر بوده و بعداً به پلدشت تبدیل گردیده است. مرکز این بخش همان قصبه عربلر سابق است که قبل از انقلاب کبیر روسیه آبادتر از حالا بوده و ساکنین این بخش از طریق پل عربلر یا پلدشت فعلی برای کسب و کار و مبادلات تجارتنی بخاک روسیه رفته و برمیگشته‌اند.

این پل تقریباً در بیست کیلومتری نخجوان بر روی رودخانه بنا شده و از لحاظ مبادلات تجارتنی و اقتصاد این بخش در سابق فوق‌العاده مؤثر بوده است و همچنین بسیاری از لشکرکشی‌ها چه از دوره ساسانیان و چه پس از ورود اعراب بایران و گذشتن بارمنستان و خواه در زمان صفویه و بخصوص در دوره قاجار از طریق این پل بوده و هدف نفوذ به نخجوان و سپس بسایر مناطق آن ساکنان بوده است.

برخلاف پل خداآفرین که در بسیاری از مآخذ بمناسبتی نامی از آن بمیان آمده ولی اسمی از پل عربلر در کتب تواریخ یا سفرنامه‌ها بچشم نمی‌خورد و فقط از پلی بنام پل ضیاءالملک نخجوانی نام برده میشود که در نزدیکی قلعه گرگر سر راه مرند پانزده میلی نخجوان بر روی رود ارس ساخته شده بود و با احتمال قوی نام پل عربلر سابقاً همان پل ضیاءالملک بوده که بعداً بنام عربلر معروف شده است. از طرف دیگر چون ضیاءالملک خود اهل

۸- یادداشتهای خودنکارنده.

نخجوان و وزیر سلجوقیان هم بوده با استفاده از موقعیت و قدرت خود پلی در نزدیکی مسقط الرأس خود نخجوان ساخته که خدمتی بزاد گاه خود و مردمان آن سامان نموده و یاد گاری از خود باقی گذاشته باشد چنانکه مسجد معتبری نیز در نخجوان ساخته که معروف بوده است و یا اینکه پل فعلی بوسیله دیگران ساخته شده که بانی و سازنده آن بر ما معلوم نیست. زیرا خرابه پلی در فاصله کمی با پل فعلی هم اکنون دیده میشود که خرابه های آن باقیست از پل ضیاء الملک در تاریخ بسیار یاد شده که فرماندهان و سلاطین و بزرگان لشگری از آن گذشته یافتح پیروز و یابزهزیمت از آن مراجعت نموده اند که برای مثال به چند فقره از آن اشارت مینمائیم.

از جمله مورخان خواندمیر در حبیب السیر در بیان وقایع سال ۶۸۷ هجری قمری چنین مینویسد:<sup>۹</sup>

« چون سلطان احمد جلایر خیر ورود سلطان بایزید و عادل آقا را شنید از تبریز گریخت و عادل آقا وقتی به تبریز رسید دو نفر بنام عباس آقا و مسافر نام را بحکومت مرند برگزید و محمد دواتی و قرا بسطام را بکنار آب ارس فرستاد آنها پل ضیاء الملک را محکم کرده و در آنجا رحل اقامت افکندند. همچنین امیر تیمور گور کانی بسال ۷۸۸ از مرند و دره عبور کرده از ارس از پل ضیاء الملک گذشته و عازم نخجوان شده است.

لسترنج در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی در صفحه ۱۷۹ در خصوص پل ضیاء الملک چنین توصیف مینماید:

و نیز در نخجوان گنبدی از ابنیه ضیاء الملک وزیر معروف سلجوقیان موجود است شرف الدین علی یزدی پل معروف ضیاء الملک را که خرابه های آن هنوز باقی است وصف کرده است. این پل نزدیک قلعه گرگر سر راه مرند پانزده میلی نخجوان بر روی رود ارس ساخته شده بود.<sup>۱۰</sup>

۹- حبیب السیر جلد سوم صفحه ۲۴۷

۱۰- کتاب سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج ص ۱۷۹

### پلهای تاریخی دیگر ارس

بر روی رودخانه ارس پلهای دیگری وجود داشته که در تواریخ نامی از آنان باقی مانده ولی از خود پل آثاری برجای نمانده است معلوم نیست که این پلها بر اثر سیلابهای ارس خراب شده و از بین رفته یا آنها در اثر کشمکشهای متعدد مدعیان تاج و تخت با سرداران کشور گشا و فرمان آنها خراب شده است که ما در اینجا به سه فقره آنها اشاره میکنیم و معلوم نیست جای این پلها کجا بوده است آیا در جوار پلهای فعلی بوده که از بین رفته و یاد سایر قسمتها بر روی رودخانه بنا کرده بودند.

چنانکه ذکر یابن محمد بن محمود المکمونى القزوینى صاحب کتاب عجایب المخلوقات (۶۰۲ - ۶۸۲) در کتاب خود در نام بردن رودخانه ارس از قول دیسم فرزند ابراهیم یکی از خداوندان آذربایجان که در سال ۳۳۹ هجری پس از سرکوبی مخالفان خود از آنسوی ارس مراجعت مینموده چنین مینویسد:

دیسم پسر ابراهیم خداوند آذربایجان گفت: «با سپاه خود از روی پل ارس میگذشتم چون بمیان پل رسیدم زنی را دیدم که کودکى در قنداق در بغل داشت ناگهان شترى تنه‌ای باو زده بیانداخت و کسودك از بغل او پرتاب شده چون فاصله از پل تا کف آب بسیار است پس از زمانی بآب رسید و غوطه‌ای خورده دوباره بالا آمد و از سنگهاییکه در کف رود است آسیبی ندیده بود در این میان یکی از عقابها که بفروانی در کنار رود آشیان دارند کودک را از روی آب بر بود و راه بیابان را پیش گرفت من دستهای از دنبال آن فرستادم که چون عقاب در بیابان پائین آمده و قنداق را پاره میکرد ایشان رسیده هياهو کردند عقاب کودک را گذارده پرواز کرد اینان چون بکودك رسیدند زنده بود و گریه میکرد برداشته پیش مادرش آوردند ۱۱»

همچنین در تاریخ منجم باشی جلد دوم صفحه ۵۰۷ چنین مینویسد:

۱۱ - کتاب شهریاران گمنام تألیف مرحوم کسروی صفحه ۸۷

«در حدود سالهای ۱۸ ه. ق فضلون فرزند محمد دومین بنیان گذار شدادیان بر اران و بخش بزرگی از ارمنستان حکومت داشته و چهل و هفت سال فرمانروائی کرده و جنگهای بسیار با ارمنیان و گرجیان نموده و آنان را مغلوب خویش ساخته و سیصد هزار درهم بر ارمنیان باج گذاشته است و پل زیبایی در سال ۱۸ هجری بر روی رودخانه ارس بسته و مردم از او بسیار خشنود بوده اند».

همچنین سلطان سلیم عثمانی در نامه‌ای که به شاه اسماعیل نوشته خاطر- نشان میسازد که پلی که بر روی رودخانه ارس وجود دارد و بنام چوپان کوپرسی معروفست سرحد مملکتین باشد :

« کتاب مشکین نقاب، بلاغت نصاب، هشتمل بر قواعد اختصاص که از جانب امارت مآب، اکتساب سیادت انتساب، حشمت، شعار ابهت دثار، امیر اسماعیل نامدار اصلح الله شأنه بوساطت فخر السادات امیر عبدالوهاب سمت ورودیافت بشرف مطالعه همایون رسید ... انشاء الله کلاه سرخ، کوی حبیبی است از دریای ضلالت سر بر آورده و یا گرداب جهالتی است که چندین مستمند از بیم جان در خود فرو برده چون هوای کبر و غرور از سر بیندازی و از سب شیخین و کریمین به توبه و استغفار در آئی و بدان التزام نمائی که در زمان سلاطین باینداری چهار یار رضی الله عنهم گاه ادای خطبه در هر بقعه و خطه به چه طرز بود بآن اسلوب نغز مرعی و در هر خصوص، معروف از منکر و مأمور از منهی متمیز و متمین گردد و قنطره‌ای ۱۲ که برود ارس هست و در اقطار عالم به چوپان- کوپرسی مشهور است سرحد مملکتین باشد. ۱۳

در حد پلدشت فعلا دوپل وجود دارد که یکی آباد و در مواقع ضروری مأمورین مرزی برای عبور از آن استفاده میکنند و دیگری پائین تراز آن ولی خرابست .

۱۲ - قنطره بمعنای پل است.

۱۳ - صفحه ۲۲۷ اسناد و نامه‌های تاریخی تألیف آقای سیدعلی مؤید نابتی